

## تحلیل موانع تامین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط

آصف کریمی\*<sup>۱</sup> - شهریار بوذرجمهری<sup>۲</sup>

۱. دکتری دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی دانشگاه تهران

۲. کارشناس ارشد مدیریت کارآفرینی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۳/۱۶، تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۵/۲۴)

### چکیده

امروزه یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی مدیران شرکت‌های کوچک و متوسط، مبحث تامین مالی است. در این پژوهش با استفاده از روش کیو (ترکیبی از روش کیفی و کمی) موانع تامین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط شناسایی شدند. پس از بررسی ادبیات تحقیق و انجام مصاحبه با ۱۲ نفر از مدیران عامل شرکت‌ها، ۶۴ مانع برای شرکت‌های کوچک و متوسط شناسایی شد. این موانع توسط ۸۴ نفر از مشارکت‌کنندگان شامل مدیران مالی، مدیران تامین و مدیران عامل شرکت‌ها رتبه‌بندی شدند. در پایان با استفاده تحلیل عاملی کیو، دیدگاه‌های مختلف (الگوهای ذهنی) مشارکت‌کنندگان نسبت به موانع تامین مالی شناسایی شده و بر این اساس پنج الگوی ذهنی که در مجموع حدود ۷۹/۰۹ درصد از واریانس کل را تبیین می‌نمودند، شناسایی شد. الگوهای ذهنی پاسخ‌گویان به ترتیب، فراهم نبودن شرایط بازار رقابتی بین شرکت‌ها؛ ارایه نشدن آموزش‌های لازم در زمینه کارآفرینی و کسب‌وکار؛ نداشتن وثیقه‌ی لازم برای دریافت تسهیلات بانکی؛ محدودیت‌های موجود در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی و حمایت ناکافی دولت از شرکت‌های کوچک و متوسط به‌عنوان مهم‌ترین موانع تامین مالی شناخته شدند.

**واژه‌های کلیدی:** کسب و کارهای کوچک و متوسط، تامین مالی، موانع تامین مالی، تحلیل کیو

## مقدمه

در گذشته عقیده بر این بود که یکی از موانع اصلی توسعه و پیشرفت کشورهای توسعه نیافته، کمبود سرمایه است و به این دلیل کشورهای توسعه نیافته در دور باطل توسعه گرفتار شده و هیچ راهی جز انباشت سرمایه و ثروت برای خروج از این دور باطل وجود ندارد. اما نگرش نوین و امروزی، نگرشی کاملاً متفاوت می‌باشد، به طوری که وجود سرمایه شرط لازم برای توسعه است نه شرط کافی؛ زیرا کشورهای در حال توسعه که از خود منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی و سرمایه‌ی اندکی داشتند، ثابت کردند که با همین سرمایه‌ی اندک می‌توان به توسعه و پیشرفت رسید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳، ص ۳۶).

کسب و کارها و شرکت‌ها هنگام نیاز به منابع مالی می‌توانند وجوه مورد نظر را یا با قرض گرفتن به دست آورند و یا با واگذاری قسمتی از مالکیت شرکت. هم‌چنین شرکت‌ها هنگام تصمیم‌گیری برای استفاده از منابع جدید باید هزینه‌ی منابع مختلف تامین مالی را مشخص کرده و آثاری را که هر کدام از این منابع بر بازده و ریسک عملیاتی می‌گذارند تعیین کنند (Kyaw, 2008, p.55). استفاده از شیوه‌های درست تامین مالی برای اجرای پروژه‌های سودآور می‌تواند در افزایش ثروت سهام‌داران شرکت نقش اساسی ایفا کند. یکی از تصمیماتی که مدیران کسب و کارها برای حداکثر کردن ثروت سهام‌داران باید اتخاذ کنند، تصمیمات مربوط به تامین مالی می‌باشد (محمودی عالمی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴).

اما متأسفانه ساختارها و قوانین کشور در حوزه‌ی تامین مالی و اعطای تسهیلات در بخش کسب و کار و به‌ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط معماری نشده است. این امر یعنی این که بخش مالی اقتصاد باید در خدمت بخش حقیقی اقتصاد قرار بگیرد تا نتیجه‌ی آن ایجاد تقارن اطلاعاتی و هدایت منابع در جهت افزایش بازدهی در بخش کسب و کارهای کوچک و متوسط باشد (Cooray, 2000, p.110). پس می‌توان گفت که شاید یکی از موضوعات اساسی در پیشرفت کشور مسأله‌ی تامین مالی و اعطای تسهیلات به بنگاه‌ها و کسب و کارهای کوچک و متوسط می‌باشد. همواره در تامین منابع مالی چالش‌های فراوانی در جلوی پای کسب و کارها و به‌ویژه کسب و کارهای کوچک و متوسط وجود داشته و

دارد، که این مسأله کارایی و بهره‌وری بنگاه‌ها را کاهش داده و در بسیاری از موارد باعث ورشکستگی و انحلال این گونه بنگاه‌های اقتصادی شده است (باقری، ۱۳۹۰). بنابراین، این پژوهش به دنبال تجزیه و تحلیل موانع و چالش‌های موجود در تامین منابع مالی شرکت‌های کوچک و متوسط است.

### مروری بر پیشینه‌ی تحقیق

توسعه‌ی بنگاه‌های کوچک و متوسط، رمز توسعه‌ی اقتصادی دهه‌ی آینده است. بنگاه‌های کوچک و متوسط از چهار مجرای کارآفرینی، نوآوری و تغییر فناوری پویایی صنعت و در نهایت ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد بر اقتصاد جهانی تاثیر می‌گذارند (غفاری آشتیانی و پیرمحمدی، ۱۳۸۷). اهمیت کسب و کارهای کوچک و متوسط در رشد و ثبات اقتصادی بلندمدت، مربوط به اندازه و ساختار آن‌ها می‌باشد که در شرایط خاص به آن‌ها امکان می‌دهد منعطف باشند و بتوانند با شرایط اقتصادی نامساعد مقابله کنند. برای ایجاد مشاغل جدید، صنایع کوچک و متوسط در مقایسه با صنایع بزرگ، هزینه‌های سرمایه‌گذاری اندکی نیاز دارند (Tommaso & Sabrina., 2000). به همین دلیل می‌توان گفت که این صنایع در تثبیت درآمدها، رشد اقتصادی و اشتغال جامعه نقش مهمی ایفا می‌کنند. از این رو توسعه‌ی صنایع کوچک و متوسط برای کاهش فقر و ارتقای سطح زندگی جوامع کثرت‌گرا سازگارتر است (Luo, 2000, p. 55).

در این بین، به دست آوردن وجوه مورد نیاز برای راه‌اندازی و توسعه‌ی این کسب و کارها، همواره به عنوان چالشی در این شرکت‌ها مطرح بوده است و بدون تامین مالی کافی، کسب و کارهای نوپا هرگز به موفقیت نخواهند رسید. از این رو، توانایی بنگاه در مشخص کردن منابع مالی بالقوه برای تامین سرمایه به منظور سرمایه‌گذاری و نیز تهیه‌ی برنامه‌های مالی مناسب از عوامل اصلی رشد و پیشرفت یک کسب و کار به‌شمار می‌آیند (Zimmerer & Scarborough, 1996). نحوه‌ی تامین مالی بر حسب شرایط اختصاصی و یا محیط فعالیت شرکت‌ها متفاوت و در برخی موارد با محدودیت‌های جدی و مشکلات فراوانی همراه است. در چنین شرایطی بهره‌گیری از شیوه‌های مدیریت مالی در تامین مالی

شرکت‌ها بیش از پیش ضرورت دارد. تهیه‌ی راهبردهای مناسب برای تامین منابع مالی شرکت‌ها و کسب و کارها، توان شرکت‌ها را در دستیابی به هدف‌های راهبردی تقویت می‌کند. بدیهی است، لازمه‌ی موفقیت در درازمدت هزینه‌ی کم‌تر و سود بیش‌تر بوده و این امر مستلزم تامین منابع مالی با هزینه‌ی معقول و مناسب است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳).

اما با وجود امتیازات چشم‌گیر و نقش مهم شرکت‌های کوچک در توسعه‌ی اقتصادی، موانع و مشکلات فراوانی بر سر راه این بنگاه‌ها وجود دارد. افزون بر مشکلاتی از قبیل وجود درآمدهای سرشار نفتی و توجه نکردن به درآمدهای ارزی بنگاه‌های اقتصادی کوچک؛ نبود سیاست‌های پایدار در راهبرد توسعه‌ی صنعتی کشور برای حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک؛ نبود ارگانی که به‌طور خاص متولی امور مربوط به بنگاه‌های اقتصادی کوچک باشد و ... که باعث رشد نکردن بنگاه‌های اقتصادی کوچک در کشور شده‌اند، از جنبه‌ی مالی نیز شرکت‌های اقتصادی کوچک و متوسط با مشکلات عمده‌ای از جمله کمبود سرمایه، ناتوانی در ارائه‌ی ابزارهای جدید مالی، مشکل تهیه‌ی مواد اولیه و مشکل فروش محصولات مواجه هستند (Harris, 1998; Cooray, 2000; Porter, 2007). یافته‌های به‌دست آمده از مطالعه‌ی محمدی الیاسی و همکاران (۱۳۹۰، ص ۳۱) نشان می‌دهد که نداشتن دانش، تجربه و مهارت‌های کارآفرینی، مشکلات بازاریابی و فروش، نامساعد بودن محیط کسب و کار و مشکلات مالی، از مهم‌ترین دلایل شکست کارآفرینان بوده است. هم‌چنین یافته‌های امیری و همکاران (۱۳۸۸، ص ۸۱) نشان داد که محدودیت‌های نگرشی و فرهنگی، آموزشی، حمایتی، قانونی و مالی مهم‌ترین موانع راه‌اندازی کسب و کار بوده‌اند. همان‌طور که مطالعات نشان می‌دهد یکی از موانع اصلی شرکت‌ها و کسب و کارها مشکل تامین منابع مالی می‌باشد. در مجموع، شرکت‌های کوچک و متوسط با دو دسته مشکلات داخلی و خارجی مواجه هستند که بخش عمده‌ای از این مشکلات بر روی تامین مالی این شرکت‌ها تاثیر می‌گذارد و یا این که از آن‌ها تاثیر می‌پذیرد (اخوان صراف و شیخ بهایی، ۱۳۸۵). بنابراین با توجه به مطالبی که بیان شد، به اهمیت موضوع تامین مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط، شناسایی و برطرف کردن

موانع موجود در این زمینه و دست‌یابی به راه کارهای مناسب پی برده می‌شود. به این ترتیب، سوال اصلی این پژوهش عبارت است از:

چه موانعی بر سر راه تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط ایران وجود دارد؟ در این رابطه، پژوهش‌هایی در ایران و سایر کشورهای جهان انجام شده است که در ادامه به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

نتایج تحقیق مهربانی (۱۳۸۹) نشان داد که علت اصلی توسعه نیافتگی بازار مالی ایران استفاده نکردن از ابزارهای نوین تامین مالی نیست، بلکه ساختار نامناسب سازمانی و نبود استانداردهای حاکمیت شرکتی می‌باشد. نتایج بررسی بافنده زنده و همکاران (۱۳۸۹)، ص ۴۱ نشان داد که بیش‌ترین مشکلات مدیران صنایع کوچک و متوسط به ترتیب در حوزه اقتصاد، بازار، فرهنگ، منابع انسانی، قوانین، مقررات و اطلاعات بوده است.

افجهء و نایینی (۱۳۸۹، ص ۸۵) در تحقیق خود در زمینه اولویت‌بندی اهمیت انواع حمایت‌های دولتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط، به این نتیجه رسیدند که حمایت‌های مالی و اعتباری در اولویت اول قرار داشته و پس از آن به ترتیب حمایت‌های زیرساختی، حمایت‌های بازاریابی و تحقیقات بازار، حمایت‌های آموزشی و فنی و حمایت‌های مشاوره‌ای و ترویجی قرار دارند. یافته‌های تحقیقی بارتلت و همکاران نشان داد که مهم‌ترین مشکلات شرکت‌های کوچک و متوسط مربوط به محیط سازمانی از جمله بوروکراسی محدودیت‌های مالی خارجی از جمله هزینه‌های بالای سرمایه است (Bartlett & Bukvič., 2001). رندوی و گوال<sup>۱</sup> (۲۰۰۳)، به این نتیجه رسیدند که تامین مالی به وسیله منابع مالی شخصی کارآتر می‌باشد. بررسی بک و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) نشان داد که اصلی‌ترین موانع تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط، اندازه‌ی بزرگ و دارایی کم کسب و کارها بوده است. در پژوهشی دیگر مشخص شد که مهم‌ترین موانع تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط، محدودیت در دست‌یابی به منابع مالی خارجی می‌باشد

1. Randoy & Goel., 2003

2. Beck et al., 2003

(Pissarides et al., 2004, p. 387).

در پژوهشی در کشور صربستان، به منظور بهبود تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط، راه کارهایی مانند دسترسی به منابع مالی، مشوق‌های مالیاتی، ایجاد یک نهاد و سازمان به‌عنوان نماینده و حامی منافع کسب و کارهای کوچک و متوسط، و ارائه‌ی برنامه‌های آموزشی پیشنهاد شده است (Filipović & Petraković., 2005, p. 273). و و (۲۰۰۶) دریافت که تامین مالی از طریق خانواده و تامین مالی از طریق عمومی یا عرضه‌ی سهام به عموم مردم به‌طور جداگانه بر SMEs تاثیر گذارند. نتایج به‌دست آمده از پژوهشی در کشور بنگلادش نشان داد که عدم دسترسی بلندمدت و میان مدت به اعتبارات و محدودیت دسترسی به بازار، تخصص و اطلاعات از موانع تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط محسوب می‌شود (Alam & Ullah, 2006, p. 57). نتایج مطالعه‌ی دیگری در کشور آلمان نشان داد که مهم‌ترین مانع شرکت‌های کوچک و متوسط، مشکلات موجود در زمینه‌ی تحقیق و توسعه درباره‌ی جذب منابع مالی داخلی و خارجی است (Czarnitzki, 2006, p. 342). مطالعه‌ی کیتائو<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در آمریکا نشان داد که کاهش مالیات بر درآمد موجب افزایش سرمایه‌گذاری در بازار سهام و سرمایه‌گذاری در طرح‌های کارآفرینانه می‌شود. در پژوهشی دیگر مشخص شد که عدم تامین منابع مالی کافی و ناتوانی در به‌روز رسانی ماشین‌آلات، کمبود انرژی، عدم دسترسی به نیروهای ماهر، افزایش قیمت مواد اولیه و وجود کالاهای وارداتی ارزان قیمت از کشورهای همسایه باعث از دست رفتن سهم بازار شرکت‌های کوچک و متوسط بوده است (Kyaw, 2008, p. 87).

شاه و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰) در تحقیق خود بیان داشتند که رهیافت محافظه‌کارانه، توسط شرکت‌های کوچک و متوسط در پاکستان به‌عنوان مهم‌ترین روش برای تامین مالی استفاده می‌شود. یافته‌های تحقیقی در زمینه‌ی موانع تامین مالی شرکت‌های کوچک و

---

1. Wu, 2006  
2. Kitao, 2007  
3. Shah et al., 2010

متوسط نشان داد که شیوه‌های نظارتی بانک‌ها در رابطه با دسترسی این شرکت‌ها به وام‌های بانکی در این زمینه اثرگذار بوده‌اند (Barth et al., 2011). هم‌چنین، یافته‌های تحقیق دیگری در یونان نشان داد که مهم‌ترین مشکل شرکت‌های کوچک و متوسط در زمینه تامین منابع مالی، اندازه‌ی کوچک این شرکت‌ها و بالا بودن نرخ بهره‌ی وام‌های بانکی است (Hyz, 2011, p. 164).

بررسی پیشینه‌ی تحقیق نشان می‌دهد که می‌توان موانع تامین مالی را به صورت موانع تسهیلاتی، سازمانی، فرهنگی، قوانین و مقررات، اطلاعاتی، زیرساختی، حمایتی، آموزشی و سرمایه‌ای دسته‌بندی کرد. بر این اساس، هدف کلی این پژوهش، تحلیل موانع تامین مالی برای شرکت‌های کوچک و متوسط می‌باشد. آنچه مسلم است این که شناسایی و غلبه بر موانع و چالش‌های تامین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، کاری پرهزینه و مشکل می‌باشد؛ با این حال بایستی تلاش شود تا جایی که امکان دارد با برنامه‌ریزی مناسب و طراحی فرایندی درست و مناسب، زمینه‌ها و زیرساخت‌های بروز و توسعه‌ی شاخص‌های تامین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را بهبود بخشیده و هموار کرد. با توجه به مساله‌ی تحقیق، این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این سؤال است که موانع اصلی تامین مالی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط کدام‌اند.

### روش‌شناسی

در این تحقیق از روش‌شناسی کیو<sup>۱</sup> استفاده شد. روش کیو به‌عنوان روش تحقیق ترکیبی یا آمیخته، ضمن برخورداری از ویژگی‌های روش کیفی، رویکرد کمی نیز دارد (Brown, 1997; Watts & Stenner, 2005) و می‌تواند تعمق و آگاهی نسبت به مسائل ناظر بر سیاست‌گذاری‌ها را فراهم کند. دسته‌بندی دیدگاه‌ها در روش کیو، طبقه‌بندی تصورات و قضاوت‌های خود مرجع و تلقی‌های افراد می‌باشد (Brown et al., 2008). روش کیو پنج فاز دارد. در فاز اول با مطالعات کتابخانه‌ای، ادبیات تحقیق بررسی

شده و پیش‌زمینه‌ی انجام فازهای بعدی فراهم می‌شود. در فاز دوم با استفاده از مصاحبه و بررسی اسناد و مدارک، اطلاعات تکمیلی درباره‌ی مسائل مرتبط با تحقیق به دست می‌آید. در فاز سوم باید با ارزیابی و جمع‌بندی محتویات فضای گفتمان به آن سرو سامان داده و نمونه‌ای از عبارات را به عنوان نمونه‌ی کیو از میان آن‌ها انتخاب کرد (Maykut & Morehouse, 1994). در فاز چهارم، مشارکت‌کنندگان به مرتب‌سازی و دسته‌بندی کارت‌های دسته‌ی کیو خواهند پرداخت. در نهایت در فاز آخر، به تحلیل داده‌های گردآوری شده با روش تحلیل عاملی کیو و تفسیر عامل‌های استخراج شده پرداخته می‌شود (Brown, 1996). جامعه‌ی آماری این پژوهش در فاز کیفی، شامل مدیران مالی شرکت‌ها؛ مدیران تامین منابع شرکت‌ها؛ مدیران عامل شرکت‌ها و مدیران و روسای اعتباری بانک‌ها بودند و با اشیاع نظری داده‌ها با استفاده از روش مصاحبه با خبرگان، از ۱۲ نفر مصاحبه به عمل آمد. و در فاز کمی نیز شامل مدیران مالی، مدیران تامین و مدیران عامل شرکت‌ها (N=۱۴۷) بود که با استفاده از فرمول کوکران، ۸۴ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای به دست آوردن تعداد نمونه‌ی مورد نظر، ۱۳۰ پرسش‌نامه توزیع شد که حدود ۱۰۰ پرسش‌نامه به دست محقق رسید که پس از غربال‌گری‌های لازم از ۸۴ نمونه استفاده شد. به منظور گردآوری اطلاعات، ابتدا ادبیات تحقیق در زمینه‌ی موانع تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط بررسی شد. در فاز دوم، با ۱۲ نفر از مدیران مصاحبه به عمل آمد. پس از بررسی‌های دقیق و سازمان‌دهی داده‌ها، در نهایت، ۶۴ گزاره به عنوان نمونه‌ی کیو انتخاب شدند. لازم به توضیح است آن دسته از عباراتی که فراوانی بیش‌تری داشتند یا به نظر می‌رسید مصاحبه شونده‌ها به آن‌ها از زوایای متفاوتی نگریسته و یا نقطه‌نظرات مختلفی دارند، به عنوان نمونه‌ی کیو انتخاب شدند. در مرحله‌ی بعدی برای تشکیل دسته‌ی کیو، از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا از ماتریس مرتب‌سازی کیو استفاده کنند. داده‌ها وارد نرم‌افزار SPSS نسخه‌ی ۱۸ شدند و تحلیل عاملی کیو با استفاده از آن انجام شد.

### یافته‌ها

نتایج به دست آمده از تحقیق نشان داد که میانگین سن پاسخ‌گویان در حدود ۳۸ سال بود و بیش‌تر پاسخ‌گویان (۵۰ درصد) دارای سن بین ۳۰ تا ۴۰ سال بودند. ۷۳ نفر (۸۶/۹





درصد) از پاسخ‌گویان مرد و بقیه افراد یعنی ۱۱ نفر (۱۳/۱ درصد) زن بودند. مدرک تحصیلی ۱۴ نفر از پاسخ‌گویان (۱۶/۷ درصد) کاردانی، ۳۰ نفر (۳۵/۷ درصد) کارشناسی، ۳۴ نفر (۴۰/۵ درصد) کارشناسی ارشد و ۶ نفر (۷/۱ درصد) دکتری بود. رشته‌ی تحصیلی بیش‌تر پاسخ‌گویان (۳۶/۹ درصد)، مدیریت و کم‌ترین آن‌ها (۱/۲ درصد) علوم سیاسی بود. نوع شرکت ۵۰ نفر (۵۹/۵ درصد) از پاسخ‌گویان سهامی خاص، ۲۱ نفر (۲۵ درصد)، مسئولیت محدود و ۱۳ نفر (۱۵/۵ درصد) نیز تعاونی بود. هم‌چنین، این یافته‌ها نشان داد که ۹۰/۵ درصد جامعه‌ی مورد مطالعه سابقه‌ی دریافت تسهیلات بانکی را داشتند و تنها ۹/۵ درصد این سابقه را نداشتند.

جدول ۱. ماتریس عوامل شناسایی شده

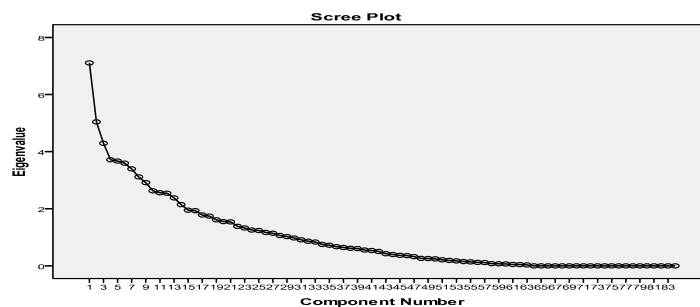
عامل	۱	۲	۳	۴	۵
۱	۰/۴۶۳	۰/۶۱۰	۰/۴۱۷	۰/۴۶۶	۰/۱۵۳
۲	-۰/۸۲۰	۰/۱۶۶	۰/۳۸۲	۰/۱۳۵	۰/۳۶۷
۳	۰/۲۴۷	-۰/۲۶۴	۰/۷۱۲	-۰/۵۸۴	۰/۱۴۴
۴	۰/۱۷۱	۰/۱۵۵	-۰/۴۰۵	-۰/۲۸۵	۰/۸۳۷
۵	۰/۱۵۱	-۰/۷۱۲	۰/۰۹۴	۰/۵۸۵	۰/۳۴۶

جدول ۲. مقدار واریانس کل تبیین شده

عامل	مقدار ویژه هر عامل	درصد واریانس	درصد واریانس تجمعی
۱	۱/۸۵۹	۲۰/۶۵	۲۰/۶۵
۲	۱/۴۵۲	۱۶/۱۳	۳۶/۷۹
۳	۱/۴۴۲	۱۶/۰۲	۵۲/۸۱
۴	۱/۳۱۲	۱۴/۵۷	۶۷/۳۹
۵	۱/۰۵۰	۱۱/۶۶	۷۹/۰۶

به‌منظور شناسایی الگوهای ذهنی، گویه‌های مرتب شده توسط خبرگان وارد نرم‌افزار SPSS شده و تحلیل عاملی کیو انجام شد. برای انجام تحلیل عاملی از ماتریس هم‌بستگی استفاده گردید. عامل‌ها به‌وسیله‌ی روش شاخص اصلی استخراج شدند و به روش واریماکس چرخش یافتند. بارهای عاملی استخراج شده در جدول شماره (۱) نمایش داده شده‌اند. در جدول شماره (۲) نیز، تعداد عامل‌های استخراج شده گزارش و سپس در همان جدول، بارهای عاملی پس از چرخش ارائه شده‌اند. بر این اساس، بارهای عاملی موجود نشان می‌دهد که به‌درستی پنج عامل (الگوی ذهنی) شناسایی شده است

(بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۵). مقدار ویژه‌ی هر عامل و سهمی از واریانس که توسط هر عامل تبیین می‌شود و سرانجام جمع تراکمی آن‌ها در جدول شماره (۲) نمایش داده شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، واریانس کل تبیین شده برابر ۷۹/۰۹ درصد می‌باشد. جداول شماره (۱ و ۲) نشان می‌دهند که با توجه به دیدگاه خبرگان، در مجموع پنج عامل شناسایی شده است (عواملی که مقادیر ویژه‌ی بالای ۱ دارند) که این پنج عامل در مجموع حدود ۷۹/۰۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند. بر اساس این جدول، عامل اول، ۲۰/۶۵ درصد واریانس کل و عامل‌های بعدی به ترتیب ۱۶/۱۳، ۱۶/۰۲، ۱۴/۵۷ و ۱۱/۶۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌کنند. در نمودار سنگریزه نیز، عامل‌ها با مقادیر ویژه‌ی بالای یک، که نشان‌دهنده‌ی الگوهای ذهنی می‌باشند، کاملاً مشخص هستند (نمودار ۱). در جدول شماره (۳) نیز تعداد ۶۴ گزاره و امتیازهای عاملی<sup>۱</sup> استخراج شده برای هر پنج الگوی ذهنی، نمایش داده شده است.



نمودار ۱. نمودار سنگریزه

جدول ۳. عوامل شناسایی شده و امتیازهای اختصاص داده شده به هر عامل

امتیازهای عاملی الگوهای ذهنی					گزاره
پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	
۳۱	۴	۵۷	۵	۶۴	فراهم نبودن شرایط بازار رقابتی بین شرکت‌ها
۱۵	۴۰	۱۶	۶۰	۶۳	نبودن یا ضعف ارائه خدمات مشاوره‌ای لازم در زمینه‌ی اعتبارات
۴۸	۵۲	۴۳	۵۵	۶۲	ضعف دانش و آموزش لازم مدیران در زمینه‌ی اعتبارات
۵	۱	۵۹	۶۳	۶۱	نبودن زیرساخت‌های مناسب در زمینه‌های مختلف ارتباطی و اطلاعاتی

#### 1. Factor Scores

امتیازهای عاملی الگوهای ذهنی					گزاره
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	
۶۰	۱۵	۲۲	۴۱	۵۴	آشنا نبودن با انواع تسهیلات اعطایی و شیوه های دریافت آن ها
۵۹	۲۰	۳	۱۰	۱۰	نبود تحقیقات کاربردی در زمینه ی یافتن راه کارهای تقویت و توسعه ی شرکت های کوچک و متوسط
۵۸	۳۰	۱	۶۲	۴۶	نبود خط مشی و سیاست های مناسب در زمینه ی صادرات و حضور در عرصه های بین المللی
۵۷	۳۸	۱۷	۱۷	۵۹	تمایل نداشتن صاحبان سرمایه در جذب یا افزایش سرمایه ی شرکت
۵۶	۲۷	۶	۵۵	۴۱	بالا بودن هزینه های تولید به دلیل قیمت بالای سایر عوامل تولید
۵۵	۳۷	۶۴	۴۲	۱۳	نداشتن وثیقه ی لازم برای دریافت تسهیلات بانکی
۵۴	۲۴	۱۴	۹	۱۴	نبود برنامه ی راهبردی برای توسعه ی شرکت های کوچک و متوسط
۵۳	۱۹	۲۵	۳۳	۴۵	تحریم و روابط خارجی با سایر کشورها
۵۲	۶	۳۲	۵۱	۵۸	نبود ارتباط لازم بین شرکت ها و سازمان ها و موسسات تحقیقاتی و آموزشی
۵۱	۱۱	۶۱	۱۱	۲۴	بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با وضعیت اقتصادی
۵۰	۱۳	۳۱	۱۳	۶۲	کوتاه بودن دوره ی بازپرداخت تسهیلات بانکی
۴۹	۶۱	۶۳	۳۹	۴۰	ضعف نظام اطلاعاتی در زمینه ی بازار در سطوح ملی و بین المللی
۴۸	۵۱	۳۷	۲۰	۴۴	همکاری نکردن شرکت ها برای کار گروهی و سرمایه گذاری مشترک
۴۷	۶۴	۳۸	۴۶	۳۶	نبود آموزش های لازم در زمینه ی کارآفرینی و مهارت های کسب و کار
۴۶	۵۹	۱۹	۵۷	۳۰	فراپند اداری طولانی و دست و پاگیر در زمینه ی دریافت تسهیلات بانکی
۴۵	۱۸	۵۴	۲۵	۵۲	عدم اعطای کمک های مالی بلاعوض به شرکت های مستقرض به منظور جلوگیری از ورشکستگی
۴۴	۴۲	۴۶	۱۵	۳۹	ضعف تجربه و آموزش کارکنان و عدم بهره گیری از نیروی انسانی ماهر و آموزش دیده در شرکت
۴۳	۴۹	۴	۱۴	۲۱	ضعف پایگاه اطلاع رسانی در زمینه ی قوانین و مقررات و دستورالعمل های مالی
۴۲	۵۰	۴۰	۷	۲۸	وجود محدودیت های قانونی در زمینه ی انجام پروژه های بزرگ مقیاس
۴۱	۴۱	۲۷	۳۲	۹	بالا بودن هزینه های تولید به دلیل قیمت بالای مواد اولیه
۴۰	۳۳	۳۳	۳۵	۲۵	تبعیض بین شرکت ها در زمینه ی اعطای تسهیلات و ارائه ی خدمات
۳۹	۲۹	۷	۲۲	۱۸	استفاده نکردن از برندهای مطرح به جای دریافت وثایق ملکی و یا سایر وثایق
۳۸	۴۰	۲	۵۳	۵۷	عدم ارائه ی قیمت تمام شده ی مناسب توسط امور مالی شرکت و به طبع شناسایی نادرست سود و زیان آحاد محصولات
۳۷	۲۵	۴۴	۱۲	۳۷	نبود سیستم پوشش ریسک نوسانات قیمت، در رابطه با تبادل ارز
۳۶	۲۸	۶۲	۲۶	۴	نبود حمایت و ارائه ی تسهیلات لازم از سوی موسسات مالی غیردولتی
۳۵	۳۵	۵۰	۵۹	۱۲	نبود نظام مناسب رتبه بندی اعتباری شرکت ها
۳۴	۱۲	۳۵	۳	۳۲	عدم ارتباط مناسب بین شرکت های کوچک و متوسط با شرکت های بزرگ
۳۳	۱۰	۴۷	۶۳	۳۸	پایین بودن میزان سرمایه ی ثابت شرکت ها (به ویژه در شروع فعالیت)
۳۲	۳۱	۵۸	۲۷	۱۷	نبود زیرساخت های مناسب در زمینه ی فناوری های نوین
۳۱	۱۴	۲۱	۱۶	۲۳	عدم تمایل شرکت های سرمایه گذار محاطره پذیر و شرکت های خصوصی در تامین مالی
۳۰	۳۶	۲۳	۶	۳۵	رقابت پذیری پایین شرکت های کوچک و متوسط در مقابل شرکت های بزرگ در بازار

امتیازهای عاملی الگوهای ذهنی					گزاره
اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	
۲۹	۷	۲۶	۶۰	۲۶	نبود صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر به منظور تامین منابع مالی، حمایت و ارائه خدمات مشاوره‌ای در زمینه‌های مختلف
۲۸	۲۲	۱۰	۳۱	۱۶	تعامل ضعیف بین شرکت‌ها
۲۷	۴۴	۵۵	۴۹	۵۶	فراهم نبودن امکان پیش‌دریافت فروش محصولات از مشتری
۲۶	۴۶	۲۸	۶۴	۳	محدودیت‌های موجود در زمینه جذب سرمایه‌های خارجی
۲۵	۵۲	۲۰	۵۶	۸	کمبود ظرفیت‌های تامین مالی در داخل کشور
۲۴	۲۳	۳۹	۲۹	۴۳	پایین بودن سودآوری شرکت متناسب با فرصت‌های سرمایه‌گذاری دیگر و عدم امکان جذب یا افزایش سرمایه‌ی شرکت
۲۳	۱	۳۰	۲۸	۴۲	ضعف اتحادیه‌ها و اصناف در حمایت از شرکت‌ها
۲۲	۵۷	۵۱	۵۸	۲۲	ثبات نداشتن قیمت مواد اولیه در بازار
۲۱	۴۵	۵۶	۴۷	۷	ثبات نداشتن تقاضای بازار در رابطه با محصولات تولیدی
۲۰	۱۷	۴۹	۵۰	۴۷	عدم جذب منابع غیربانکی برای تامین مالی شرکت
۱۹	۲۶	۴۲	۴۵	۵۰	عدم وضع قوانین و مقررات حمایتی کافی در زمینه‌ی فروش و بازاریابی محصولات تولیدی شرکت‌ها
۱۸	۳۲	۱۳	۴۸	۵۵	نبود سازوکارهای تشویقی (مانند معافیت‌های مالیاتی و ...)
۱۷	۴	۵۲	۳۶	۶	ضعف توان مالی صاحبان سرمایه در جذب یا افزایش سرمایه‌ی شرکت
۱۶	۹	۴۸	۲۴	۳۳	عدم بهره‌گیری از متخصص مالی در شرکت به منظور جذب سرمایه
۱۵	۶۲	۹	۴۴	۲	ضعف ارائه خدمات بیمه‌ای (بیمه اعتباری) در حمایت از شرکت‌ها
۱۴	۳	۸	۲۳	۱۱	تخصیص ندادن یارانه‌ی مناسب و کافی در زمینه‌ی اعتبارات از سوی دولت
۱۳	۸	۴۵	۲۱	۱	عدم ثبات قیمت رقبا در بازار (در زمینه‌ی خرید و فروش محصولات)
۱۲	۱۶	۵	۶۱	۱۹	نبود منابع و ابزارهای مالی متنوع برای تامین مالی شرکت‌ها
۱۱	۲۱	۲۹	۵۴	۲۷	هرز رفتن انرژی مدیران ارشد شرکت‌ها در کارهای حاشیه‌ای و تخصیص اوقات کم‌تری برای تفکر به اصلاح نظام شرکت
۱۰	۵۸	۱۱	۱۸	۶۴	حمایت ناکافی دولت از شرکت‌های کوچک و متوسط
۹	۲	۶۰	۳۷	۲۹	نبود قوانین، مقررات و سیاست‌های حمایتی از شرکت‌ها
۸	۳۹	۱۵	۵	۲۰	پایین بودن اعتبار و نقدینگی شرکت در خرید مواد اولیه و تجهیزات
۷	۴۷	۲۴	۴۳	۶۳	نبود هماهنگی و همکاری لازم بین سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف
۶	۴۸	۳۴	۱۹	۵۳	عدم اعطای کمک‌های فنی بلاعوض
۵	۵۴	۵۳	۲	۶۱	عدم امکان پذیرش سریع و عرضه‌ی سهام شرکت‌های کوچک و متوسط در بورس و فرا بورس
۴	۵۳	۱۸	۸	۳۴	عدم شناسایی منابع مناسب تامین مواد اولیه با قیمت مناسب به دلیل عدم آشنایی مدیران شرکت با نظام خرید درست
۳	۵۶	۳۶	۳۰	۴۹	روشن نبودن تحولات مربوط به آینده‌ی اقتصاد کشور
۲	۴۳	۱۲	۳۴	۶۰	نبودن بورس‌های رسمی خاص شرکت‌های کوچک و متوسط
۱	۳۴	۴۱	۳۸	۵۱	بالا بودن هزینه‌های تولید به دلیل نبود شیوه‌های تولید مناسب

در مجموع ۶۴ مانع تامین مالی در شرکت‌های کوچک و متوسط شناسایی شد و

پاسخ‌گویان، پنج ذهنیت متفاوت نسبت به این موانع داشتند:

**الف) الگوی ذهنی اول:** متخصصانی که در این گروه قرار گرفتند، فراهم نبودن شرایط بازار رقابتی بین شرکت‌ها را به عنوان مهم‌ترین چالش در زمینه‌ی تامین مالی برشمرده‌اند که این امر می‌تواند به عدم رقابت‌پذیری شرکت‌های کوچک و متوسط با شرکت‌های بزرگ و هم‌چنین رقابت بین شرکت‌های کوچک و متوسط بستگی داشته باشد. هم‌چنین این افراد، نبود و یا ضعف ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای لازم در زمینه‌ی اعتبارات و ضعف دانش و آموزش لازم مدیران در زمینه‌ی اعتبارات را از جمله مشکلات مهم و اساسی در این زمینه دانسته‌اند که نشان از ضعف خدمات آموزشی و مشاوره‌ای در این شرکت‌ها دارد که بایستی در برنامه‌ریزی‌ها در رابطه با توسعه‌ی شرکت‌های کوچک و متوسط به این نکته‌ی مهم توجه ویژه‌ای مبذول شود.

**ب) الگوی ذهنی دوم:** برخی از خبرگان مصاحبه‌شده که در این الگوی ذهنی قرار می‌گیرند، نبود زیرساخت‌های مناسب در زمینه‌های مختلف ارتباطی و اطلاعاتی و ضعف نظام اطلاعاتی در زمینه‌ی بازار در سطوح ملی و بین‌المللی را از جمله مهم‌ترین موانع در این زمینه می‌دانند. اطلاعات نه تنها به‌عنوان یکی از منابع و دارایی‌های اصلی سازمان‌ها شناخته می‌شود، بلکه در حکم وسیله و ابزاری برای مدیریت اثرگذار بر سایر منابع و دارایی‌های سازمان (منابع مالی، نیروی انسانی و غیره) نیز محسوب شده و از این رو اهمیت و ارزش ویژه‌ای در سازمان‌ها دارد. هم‌چنین از دیگر دغدغه‌های این گروه، ضعف ارائه‌ی خدمات بیمه‌ای (بیمه‌ی اعتباری) در حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط است.

**ج) الگوی ذهنی سوم:** الگوی ذهنی سوم بیش‌تر مربوط به کسانی می‌باشد که به موضوع تسهیلات بانکی و موانعی که در این زمینه وجود دارد اشاره داشته‌اند. از دیدگاه این گروه، نداشتن وثیقه‌ی لازم برای دریافت تسهیلات بانکی، بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با وضعیت اقتصادی و عدم حمایت و ارائه‌ی تسهیلات لازم از سوی موسسات مالی غیردولتی از جمله مهم‌ترین مشکلات به‌شمار می‌رود.

**د) الگوی ذهنی چهارم:** دغدغه‌ی پاسخ‌گویان در الگوی ذهنی چهارم بیش‌تر مربوط به محدودیت منابع مالی و سرمایه‌ی شرکت‌های کوچک و متوسط و موانع موجود در زمینه‌ی جذب سرمایه می‌باشد به‌طوری‌که از دیدگاه این افراد، محدودیت‌های موجود در

زمینه‌ی جذب سرمایه‌های خارجی، پایین بودن میزان سرمایه‌ی ثابت شرکت‌ها و نبود صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر به‌منظور تامین منابع مالی اهمیت بالایی داشته‌اند.

**ه) الگوی ذهنی پنجم:** افرادی که در این الگوی ذهنی قرار می‌گیرند، مهم‌ترین مشکلات این شرکت‌ها در زمینه‌ی تامین مالی را به ضعف حمایت‌های دولتی در زمینه‌های مختلف می‌دانند. به‌طوری‌که حمایت ناکافی دولت از شرکت‌های کوچک و متوسط، نبود هماهنگی و همکاری لازم بین سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف و عدم تخصیص یارانه‌ی مناسب و کافی در زمینه‌ی اعتبارات از سوی دولت را در این زمینه تاثیرگذار دانسته‌اند. همچنین، از جمله موانع مهم دیگر از دیدگاه این افراد می‌توان به عدم امکان پذیرش سریع و عرضه‌ی سهام شرکت‌های کوچک و متوسط در بورس و فرا بورس و نبودن بورس‌های رسمی خاص شرکت‌های کوچک و متوسط در حال تاسیس و یا در حال فعالیت اشاره کرد.

### بحث و نتیجه

به‌منظور شناسایی الگوهای ذهنی، تحلیل عاملی کیو انجام شد که بر این اساس، پنج عامل شناسایی شد و واریانس کل تبیین شده برابر ۷۹/۰۹ درصد است. در الگوی ذهنی اول، فراهم نبودن شرایط بازار رقابتی بین شرکت‌ها، نبود و یا ضعف ارائه‌ی خدمات مشاوره‌ای لازم در زمینه‌ی اعتبارات و ضعف دانش و آموزش لازم مدیران در زمینه‌ی اعتبارات؛ در الگوی ذهنی دوم، نبود زیرساخت‌های مناسب در زمینه‌های مختلف ارتباطی و اطلاعاتی و ضعف نظام اطلاعاتی در زمینه‌ی بازار در سطوح ملی و بین‌المللی و ضعف ارائه‌ی خدمات بیمه‌ای در حمایت از شرکت‌های کوچک و متوسط؛ در الگوی ذهنی سوم، نداشتن وثیقه‌ی لازم برای دریافت تسهیلات بانکی، بالا بودن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با وضعیت اقتصادی و عدم حمایت و ارائه‌ی تسهیلات لازم از سوی موسسات مالی غیردولتی؛ در الگوی ذهنی چهارم، محدودیت‌های موجود در زمینه‌ی جذب سرمایه‌های خارجی، پایین بودن میزان سرمایه‌ی ثابت شرکت‌ها و نبود صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر به‌منظور تامین منابع مالی و در الگوی ذهنی پنجم، حمایت ناکافی

دولت از شرکت‌های کوچک و متوسط، نبود هماهنگی و همکاری لازم بین سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف و عدم تخصیص یارانه‌ی مناسب در زمینه‌ی اعتبارات از سوی دولت، به‌عنوان مهم‌ترین موانع در زمینه‌ی تامین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط برشمرده شدند. این یافته‌ها در تایید پژوهش‌های افجه‌ء و نایینی (۱۳۸۹)، پاکزاد (۱۳۸۷)، دهقانی فیروزآبادی (۱۳۸۳)، پاسبان و رحیمی (۱۳۸۳)، عنایت (۱۳۸۰)، لاگوآ (۲۰۰۷)، فلیپوویچ و پتراکوویچ (۲۰۰۵)، بارتزوکاس و مانی (۲۰۰۴)، بچتی و تروواتو (۲۰۰۲)، بارتلت و بوکوویچ (۲۰۰۱)، سینگ و حمید (۱۹۹۲) و سینگ (۱۹۹۵) می‌باشد.

از آنجایی که بانک‌های دولتی تامین‌کننده‌ی درصد بالایی از منابع مالی این شرکت‌ها است، به‌طبع مشکلات موجود در این زمینه نیز می‌تواند تاثیر بسیار زیادی داشته باشد. از سویی، شرکت‌های کوچک و متوسط در قیاس با شرکت‌های بزرگ توان مالی پایین‌تری دارند که این امر اهمیت حمایت‌های گوناگون دولتی را بیش‌تر نمایان می‌کند. البته بایستی به این نکته توجه شود که حمایت‌های دولتی به‌جای آن که به‌صورت مقطعی و بدون برنامه باشد، باید در راستای توانمند کردن هر چه بیش‌تر این شرکت‌ها باشد. دولت بایستی با اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر مناسب، با توانمند کردن این شرکت‌ها و کاهش تصدی‌گری خود بر امور، بخش بیش‌تری از فعالیت‌های اقتصادی کشور را به آن‌ها واگذار کند تا بتوانند از این راه از مزایای با ارزش این شرکت‌ها منفعت ببرند. از دیگر موانعی که پاسخ‌گویان بدان اشاره داشته‌اند، مشکلات موجود در زمینه‌ی مسائل آموزشی، اطلاع‌رسانی و مشاوره‌ای است. درمجموع عمده‌ترین موانع تامین مالی را می‌توان به‌صورت موانع مربوط به قوانین و مقررات، نهادهای غیردولتی، ساختار و مدیریت شرکت‌ها، آموزش - اطلاع‌رسانی، تسهیلات بانکی، سرمایه و نقدینگی و سیاست‌های حمایتی دولت خلاصه کرد.

### پیشنهادها

نسبت به جذب نیروهای کارشناسی متخصص و بهره‌گیری از مشاوره‌ی فنی، مالی و تکنیکی در این شرکت‌ها اقدام شود. با توجه به وجود تعداد زیاد دانش‌آموختگان رشته‌های مختلف، جذب این نیروها در این شرکت‌ها، می‌تواند بخش عمده‌ای از این

مشکلات را برطرف کند. هم‌چنین شرکت‌ها می‌توانند به‌منظور کاهش هزینه‌های جاری، به‌صورت گروهی نسبت به استخدام و استفاده از مشاور و متخصص اقدام کنند.

ضمن اختصاص وام‌های بانکی با بهره‌ی کم‌تر و دوره‌ی بازپرداخت طولانی‌تر برای این‌گونه شرکت‌ها، فرایند دریافت این وام‌ها نیز کوتاه‌تر شود تا در زمان مناسب در اختیار این افراد قرار گیرد. هم‌چنین با توجه به این‌که بیش‌تر شرکت‌ها در زمینه‌ی وثیقه مشکل دارند، تدابیری در این‌باره و کاهش سخت‌گیری‌ها انجام شود. هم‌چنین می‌توان تدابیری اندیشید تا در اعطای اعتبارات، شرکت‌های تازه تاسیس و شرکت‌های دارای ایده‌های نوآورانه در اولویت قرار بگیرند.

ایجاد بانک‌های تخصصی می‌تواند بخش عمده‌ای از مشکلات شرکت‌های کوچک و متوسط را در زمینه‌ی تامین مالی برطرف کند. درضمن فراهم کردن زمینه‌ی ایجاد و گسترش منابع تامین مالی غیردولتی، موسسات مالی خصوصی و تعاونی‌های اعتباری در کنار منابع دولتی البته با بهره‌ی معقول و نظارت دولت نیز می‌تواند در این زمینه اثربخش واقع شود. هم‌چنین، با وضع قوانینی برای کاهش تعرفه‌های گمرکی و کاهش و یا معافیت‌های مالیاتی برای این شرکت‌ها، زمینه‌ی فعالیت بین‌المللی و جذب سرمایه از منابع خارجی که یکی از مشکلات این شرکت‌ها می‌باشد را فراهم کند.

عدم ثبات نرخ ارز و بی‌ثباتی در قیمت مواد اولیه در بازار از جمله مشکلات این شرکت‌ها است که دولت بایستی تلاش بیش‌تری برای ایجاد ثبات نسبی در این زمینه کند که البته این امر مشکل بوده و متأثر از عوامل سیاسی - اقتصادی بی‌شماری می‌باشد. در این زمینه اعطای یارانه و ملزم کردن شرکت‌ها نسبت به تامین مواد اولیه از سایر شرکت‌های داخلی به‌منظور تقویت آن‌ها پیشنهاد می‌شود.

ایجاد صندوق‌های مخاطره‌پذیر و امکان استفاده از اسناد نسیه یا مدت‌دار نیز می‌تواند به‌عنوان راه کارهای اثرگذاری برای تامین مالی این شرکت‌ها مورد توجه قرار گیرد. نسبت به تقویت اصناف و اتحادیه‌ها و افزایش قدرت مالی و تصمیم‌گیری آن‌ها برای حمایت و دفاع از حقوق خود اقدامات لازم انجام شود و شرایط برای استقلال تصمیم‌گیری و مالی این اتحادیه‌ها فراهم شود. هم‌چنین، نسبت به فراهم شدن زمینه‌ی حضور شرکت‌های



کوچک و متوسط در بورس و کاهش مشکلات موجود در این زمینه، هم‌چنین ایجاد و تقویت بورس‌های ویژه این‌گونه شرکت‌ها اقدامات لازم انجام شود.

دولت بایستی به‌منظور تقویت این شرکت‌ها نسبت به تدوین برنامه‌ی راهبردی اقدام کرده و سیاست‌ها و قوانین و مقررات مناسبی در این زمینه وضع کند و در راستای سیاست‌های خود در زمینه‌ی خصوصی‌سازی، در واگذاری پروژه‌های کلان‌تر، این شرکت‌ها را در اولویت قرار دهند. هم‌چنین، به وضع قوانین حمایتی در زمینه‌ی صادرات و واردات، گمرک، مالیات، اعطای تسهیلات و غیره پردازد. نسبت به برگزاری کارگاه‌ها، همایش‌ها و دوره‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف مدیریتی، کارآفرینی و هم‌چنین منابع تامین مالی برای مدیران و کارکنان این واحدها اقدام شود. در ضمن، استفاده از فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات با توجه به قابلیت‌های فراوانی که در امر آموزش دارند می‌تواند در این زمینه مفید و اثرگذار واقع شود. با توجه به مشغله‌ی فراوان مدیران، آموزش‌های الکترونیکی و مجازی می‌تواند بسیار مفید بوده و از این طریق آموزش‌های لازم فنی و تخصصی و هم‌چنین، مهارت‌های مدیریتی ارائه شود.

اقدامات لازم در زمینه‌ی ایجاد پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی قیمت مواد اولیه، تولیدات، فروش و غیره به‌منظور بهبود نظام‌های اطلاع‌رسانی، بهینه‌سازی ارتباطات، تامین اطلاعات مورد نیاز برای پیش‌بینی بهتر آینده و تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اثرگذارتر، هماهنگی در انجام فعالیت‌ها و وظایف و جلوگیری از دوباره‌کاری‌ها و افزایش سرعت گردش اطلاعات و برقراری ارتباطات و ارائه‌ی مشاوره‌ی فنی و مدیریتی به‌صورت دائمی و غیرحضوری انجام شود.

## منابع

- اخوان صراف، احمدرضا و شیخ بهایی، حسین (۱۳۸۵). کارآفرینی رشته‌های مدیریت در کسب و کارهای کوچک و متوسط، مجموعه مقالات کنگره ملی علوم انسانی، صص ۶۸۱-۶۹۷.
- افجهء، سید علی اکبر و نایینی، سید علی سجادی (۱۳۸۹). بررسی و اولویت‌بندی انواع حمایت‌های دولتی از بنگاه‌های کوچک و متوسط با تأکید بر دفاتر خدمات گردشگری شهر تهران، فصلنامه مطالعات گردشگری، شماره ۱۳، صص ۸۵-۱۱۱.
- امیری، مجتبی؛ زالی، محمدرضا و مجد، مهدی (۱۳۸۸). محدودیت‌های راه‌اندازی کسب و کارهای نوظهور، توسعه کارآفرینی، سال اول، شماره ۳، صص ۸۱-۱۰۲.
- بافنده زنده، علیرضا، نوروزی، داود و عالی، صمد (۱۳۸۹). بررسی مشکلات مدیران صنایع کوچک و متوسط استان آذربایجان شرقی، فصلنامه مدیریت صنعتی دانشگاه علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۳، صص ۴۱-۵۴.
- باقری، رضا (۱۳۹۰). چالش‌های تامین مالی بنگاه‌های صنعتی. شبکه تحلیلگران تکنولوژی ایران، موجود در: <http://www.itan.ir/?ID=1867>
- پاسبان، فاطمه و رحیمی، عباس (۱۳۸۳). بررسی منابع تامین مالی تولیدکنندگان بخش کشاورزی و ارزیابی آن، خلاصه مقالات همایش کشاورزی و توسعه ملی.
- پاکزاد، محمدرضا (۱۳۸۷). تحقیقی پیرامون مشکلات تامین منابع مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علوم و فنون مازندران.
- دهقانی فیروزآبادی، حمید (۱۳۸۳). تاثیر شیوه‌های تامین مالی بر روی ارزش سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق.
- عنایت، سید ابراهیم (۱۳۸۰). مشکلات و تنگناهای بازار سرمایه، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳، صص ۱۳۹-۱۶۲.
- غفاری آشتیانی، پیمان و پیرمحمدی، فاطمه (۱۳۸۷). نوآوری سازمانی در شرکت‌های کوچک و متوسط، ماهنامه تدبیر، شماره ۹، ص ۱۹۹.

محمدی الیاسی، قنبر و نوتاش، هادی (۱۳۹۰). شناسایی ریشه‌های شکست کارآفرینان کارکشته ایرانی: نگاهی روایتی گفتمانی، توسعه کارآفرینی، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۳۱-۵۰.

محمودی عالمی، علی و اسمعیلی عالمی، حبیب اله (۱۳۸۹). بررسی روش‌های تأمین مالی در طرح‌های کارآفرینانه بخش تعاون استان مازندران، تعاون، سال ۲۱، شماره (۱)، صص ۱۱۳-۱۲۴.

مهربانی، فاطمه (۱۳۸۹). بررسی چالش‌ها و آسیب‌های بازار پول و سرمایه ایران در تأمین مالی سرمایه‌گذاری و راهکار برون رفت از آن، سومین کنفرانس سالانه توسعه نظام تأمین مالی در ایران، ۳۰ بهمن الی ۱ اسفند ۱۳۸۹، تهران.

- Alam, S. and Ullah, A. (2006). SMEs in Bangladesh and Their Financing :An Analysis and Some Recommendations, *The Cost and Management*, Vol. 34, No, 3, pp. 57-72.
- Barth, J.R., Lin, D. and Yost, K. (2011). Small and Medium Enterprise Financing in Transition Economies, *Atlantic Economic Journal*, No, 39. pp.19-38.
- Bartlett, W. and Bukvič, V. (2001). Barriers to SME Growth in Slovenia, *MOCT-MOST*, No, 11. pp. 177-195.
- Bartzokas, A. and Mani, S. (2004). *Financial Systems Corporate Investment in Innovation and Venture Capital*, Edward Elgar Publishing , Inc.
- Becchetti, L. and Trovato, G. (2002). The Determinats of Growth for Small and Medium Size Firms. The Role of the Availability of External Finance, *Small Business Economics*, Vol. 19, No. 4, pp. 1-32.
- Beck, T., Demirgüç-Kunt, A., Laeven, L. and Maksimovic, V. (2003). The determinants of financing obstacles, World Bank.
- Brown, S., Durning, D. and Selden, S. (2008). *Q Methodology; Chapter 37, in C. Miller and K. Yengleds*, Hand book of Research News in Public Policy.
- Brown, S.R. (1996). Q Methodology and Qualitative research”, *Qualitative Health Research*, Vol. 6, No. 4, pp. 561-567.
- Brown, S.R. (1997). The History and Principles of Q Methodology in Psychology and the Social Sciences; Red at the British Psychological Society Symposium on, a Quest for a Science of Subjectivity: The Lifework of William Stephenson, University of London.
- Cooray, N. (2000). Cleaner Production Assessment in Small and Medium Industries of Sri Lanka, Environmental and Industries Engineering, Project SMED, pp. 108-114.
- Czarnitzki, D. (2006). Research and Development in Small and Medium-Sized Enterprises: The Role of Financial Constraints and Public Funding,

- Scottish Journal of Political Economy*, Vol. 53, No. 3. pp. 335-357.
- Filipović, S. and Petraković, D. (2005). SME sector development by improving financial support: Serbia compared to other see countries, *South-Eastern Europe Journal of Economics*, No. 2. pp. 273-293.
- Harris, L. (1998). Barriers to Market Orientation: The View from the Shopfloor, *Marketing Intelligence and Planning*. 1998.
- Hyz, A.B. (2011). Small and Medium Enterprises (SMEs) in Greece - Barriers in Access to Banking Services. An Empirical Investigation, *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 2, No. 2, pp. 161-165.
- Kyaw A. (2008). Financing Small and Medium Enterprises in Myanmar"IDE Discussion paper No, 148.
- Lagua, B.P. (2007). The Incubation- Graduation model for SME Finance Supplementation in the Philippines, *Journal for SME Development (JSD)*, No. 3, pp. 55-75.
- Luo, Y.D. (2000). Dynamic Capabilities in International Expansion, *Journal of World Business*, No. 35, pp. 355-378.
- Maykut, P. and Morehouse, R. (1994). *Beginning qualitative research: A Philosophic and practical guide*, London: The Falmer Press.
- Pissarides, F., Singer, M. and Svejnar, J. (2004). Objectives and constraints of entrepreneurs: Evidence from small and medium size enterprises in Russia and Bulgaria, *Journal of Comparative Economics*, Vol. 31, No. 3, pp. 387-594.
- Porter, M. (2007). Competitive Strategy (Technique by industry and competitor analysis), Published Rasa, No. 12, p. 143.
- Randoy, T. and Goel, S. (2003). Ownership structure, founder Leadership, and performance in Norwegian SME: implication for financing entrepreneurial opportunities. *Journal of business venturing*, Vol. 18, No. 3, pp. 619-637.
- Shah, S., Amjad, S., Hasnu, S. and Amir Shah, S.M. (2010). Financing the current assets: approach followed by small and medium enterprises in Pakistan, *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in business*, Vol. 2, No. 7, pp. 136-144.
- Singh, A. (1995). Corporate Financial Patterns Industrializing Countries: A Comparative International Study. IFC Technical paper, 2.
- Singh, A. and Hamid, J. (1992). Corporate Financial Structure in Developing Countries. IFC Technical Paper 1. Washington D.C.
- Tommaso, M. and Sabrina, D. (2000). Towards a Theory of the Small Firm: Theoretical Aspects and Policy Implications", Series Desarrollo Productive, NO. 87, CEPAL, Santiago, Chile.
- Watts, S. and Stenner. P. (2005). Doing Q Methodology: Theory, Method and Interpretation, *Qualitative Research in Psychology*, No. 2, pp. 67-91.
- Zimmerer, T.W. and Scarborough, N.M. (1996). Entrepreneurship and the new formation, Prentice Hall international edition.